

«مقاله پژوهشی»

صورت‌بندی مفهوم «ربانیون» در قرآن با واکاوی روابط هم‌نشینی و ریشه‌شناسی تاریخی

سهیلا جلالی کندری^۱، حدیث ریاحی^۲

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران (نویسنده مسؤل)

s.jalali@alzahra.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران

hadisriahy83@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۳

The Formulation of the Concept of "Rabbaniiyun" in the Qur'an with the analysis of Syntagmatic Relationships and Historical Etymology

Soheila Jalali Kondori¹, Hadith Riyahi²

1. Associate Professor of Quranic Studies and Hadith, Department of Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran (responsible author)
2. Ph.d student of Quranic Studies and Hadith, Alzahra University, Tehran, Iran.

Abstract

The first step in understanding Quranic concepts is to know the semantic core of words. In this regard, paying attention to historical etymology can help us to better understand it. A survey of the linguistic heritage of Muslims shows that some linguists have paid attention to this issue and have paid attention to its semantic core in Semitic languages in explaining the meaning of a word. The next step is to pay attention to the context and co-occurrences, which are of particular importance in the meaning system of the Holy Quran. In this regard, structural linguistics will stand out. In the present study, we use these two methods to identify the word "Rabbaniiyun". The majority of commentators consider the root of this word to be "rabb" meaning the Lord, and have listed Al and Nun as superfluous or for the purpose of exaggeration and exaggeration. In the present study, we will defend the argument that this word was a loan word from Aramaic with the phonetic form of rabban (Rabban) and a nickname for scientists and many heads of Palestinian religious schools. In Ghaz language, professors and teachers of various sciences and not only religious sciences were called rabban. The structural semantics has not confirmed the opinion of the commentators who considered them to be the cause of the Torah and disconnected from other than God, rather, the "Rabbaniiyun" were blamed and reprimanded by God for not fulfilling the duty of forbidding evil.

Keywords: Rabbaniiyun, Syntagmatic Relations, Historical Etymology, Holy Quran, Semantics.

چکیده:

گام نخست در شناخت مفاهیم قرآنی، شناخت هسته معنایی واژگان است. در این راستا توجه به ریشه‌شناسی تاریخی می‌تواند ما را در شناخت بهتر آن یاری رساند. جستاری در میراث زبانی مسلمانان نشان می‌دهد که برخی از لغت‌شناسان به این مسئله توجه داشته و در تبیین مفهوم یک واژه به هسته معنایی آن در زبان‌های سامی دقت کرده‌اند. گام بعدی التفات به سیاق و باهم‌آیندها است که در نظام معنایی قرآن کریم از اهمیت خاصی برخوردار است. در این راستا زبان‌شناسی ساختاری خودنمایی خواهد کرد. در پژوهش حاضر برای شناخت واژه «ربانیون» از این دو روش بهره می‌بریم. جمهور مفسران ریشه این واژه را «رب» به معنای پروردگار دانسته و الف‌ونون را زائد یا به منظور مبالغه و تخریم برشمرده‌اند. در پژوهش حاضر با کاوشی در زبان‌های باستانی از این ره آورد دفاع خواهیم کرد که این واژه یک وام واژه از زبان آرامی با شکل آوایی rabban (ربان) و لقبی برای دانشمندان و بسیاری از رؤسای مدارس دینی فلسطین بوده است. در زبان گز نیز به استادان و آموزگاران علوم مختلف و نه صرفاً علوم دینی rabban (ربان) گفته می‌شد. معناشناسی ساختاری نظر مفسران که آن‌ها را عامل به تورات و منقطع از غیر خدا دانسته‌اند، تأیید نکرده است، بلکه «ربانیون» را به دلیل عدم اجرای وظیفه نهی از منکر مورد سرزنش و توبیخ الهی قرار می‌شمرد.

کلیدواژه‌ها: ربانیون، روابط هم‌نشینی، ریشه‌شناسی تاریخی، قرآن کریم، معناشناسی.

پیشینه

از نخستین تلاش‌ها با روش معناشناسی تاریخی و توجه به تحولات معنایی یک واژه، می‌توان از ریشه‌شناسی تا کاربردشناسی به قلم ایو سویتز نام برد. از دیگر مطالعات نخستین هم‌سو با این نوشتار، می‌توان از مقاله‌ی «ویکردی ریشه‌شناختی به ماده قرآنی عزم» (مجله پژوهش‌های زبانشناختی قرآن، سال ۱۳۹۶، شماره دوم) یادکرد. مؤلف این مقاله، پاکتچی پس از بررسی گزینه‌های محتمل در ریشه‌یابی ماده عزم در زبان‌های سامی و با تأکید بر انواع مسیرهای ساخت این ریشه، از کتب لغت و کاربردهای قرآنی نیز بهره می‌برد. همین نویسنده در مقاله «ریشه‌شناسی واژه قرآنی قیوم» (مطالعات قرآن و حدیث، سال ۱۳۹۵، شماره اول) با کاربست همین روش به مطالعه موردی واژه «قیوم» پرداخته و بر کاربردهای قرآنی این واژه و بررسی باهم‌آیندها تأکید بیشتری دارد.

حمید رضا صراف در مقاله «پژوهش ریشه‌شناسانه واژه‌ی ربّانیون در قرآن کریم» به بررسی این واژه پرداخته و آن را از ریشه «ربّ» به معنای بزرگ در زبان‌های سامی و آفروآسیایی و «ربّانیون» را بزرگان یهودی تبیین می‌کند (دو فصلنامه علمی پژوهش‌های زبانشناختی قرآن کریم، ۱۳۹۹، شماره اول). در این مقاله به شاخه‌ی زبان سامی که این واژه از آن زبان وام گرفته شده است، اشاره‌ای نمی‌شود و باهم‌آیندها نیز بررسی نشده است و همان‌گونه که از عنوان مقاله مشخص است، هدف نویسنده صرفاً نگاهی به ریشه واژه «ربّانیون» بوده است. در پژوهش حاضر از سویی با تمرکز ویژه بر روی باهم‌آیندهای این واژه و کاربست

معناشناسی ساختاری و از سوی دیگر کاوشی دقیق‌تر در معانی آن در زبان‌های مختلف سامی به تکمیل و ارتقاء پژوهش صراف می‌پردازیم.

بیان مسئله

کاربرد واژه‌های غیرعربی (معرب) در قرآن از جمله مباحث مناقشه برانگیزی است که زبان‌شناسان عرب به آن توجه جدی داشته‌اند. وجود این واژه‌ها در قرآن موجب بروز آراء گوناگونی شده است. برخی از زبان‌شناسان و مفسران متقدم منکر اشمال قرآن بر واژگان غیرعربی بودند. از جمله امام شافعی، ابو عبیده معمر بن مثنی، قاضی ابوبکر باقلانی و ابن فارس. استدلال اینان ابتدا به آن دسته از آیات قرآنی است که زبان قرآن را به «عربی» یا «عربی مبین» توصیف کرده است (سیوطی، ۱۹۹۹، ج ۱، ص ۱۹۳) به علاوه آن را با قدیم بودن قرآن به عنوان کلام الهی سازگار نمی‌دانند. ابن فارس نه تنها زبان عربی را کامل‌ترین زبان‌ها، بلکه آن را توقیفی می‌داند (ابن فارس، ۱۹۶۳، ص ۱۶۲). «توفیقی» به این معناست که خداوند تمام زبان عربی را به آدم و پیامبران عرب‌زبان بعد از وی الهام کرده است.

سیوطی ضمن مخالفت با نظریه توفیقی بودن زبان عربی، دلایل موافقان و مخالفان آن را در کتاب *المزهر* آورده است (سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷-۲۱). دکتر آذرنوش در کتاب *زبان قرآن ادله قائلان به توقیفی بودن زبان عربی را نقل و نقد کرده*، و در نهایت آن را سست و غیر صحیح دانسته است (آذرنوش، ۱۳۸۳، ص ۳۶). اکثر زبان‌شناسان امروزی وجود واژه‌های معرب را در قرآن امری انکارناپذیر و هماهنگ با نظریه‌های زبان‌شناسی می‌دانند.

این افراد آشکار می‌کند. معنای دقیق واژه در پژوهش حاضر از طریق بررسی مؤلفه‌های معنایی «الرَّبَّانِيُّونَ»، در چهار شاخه؛ کتب لغت، دیدگاه مفسران، مشتقات ریشه در زبان سامی و توجه به مفاهیم هم‌نشین و باهم‌آیندها است. لذا مطالعه کنونی را می‌توان کوششی برای تدقیق و تصحیح نظرات پیشین در صورت‌بندی مفهوم «الرَّبَّانِيُّونَ» دانست که با ابزارهای معناشناسی تلاش می‌کند توصیف کامل‌تری را از این واژه ارائه دهد.

روش‌شناسی مطالعه

در پژوهش حاضر به جهت بررسی ریشه واژه در زبان‌های سامی از ریشه‌شناسی تاریخی و به جهت بررسی واژه‌های هم‌نشین و باهم‌آیند «الرَّبَّانِيُّونَ» از معناشناسی ساختاری استفاده می‌شود. در ریشه‌شناسی تاریخی به مطالعه در زمانی می‌پردازیم. در این مطالعه به تغییرات معنای واژه و فرآیند ساخت آن در طول زمان و نیز ریشه‌ی اصلی واژه و وام واژه بودن آن پرداخته می‌شود.

هر زبان به دلیل موقعیت جغرافیایی و امکان وام‌گیری و اثرگذاری می‌تواند واژه را از نیای زبانی خود دریافت کند. زبان‌هایی را که از مدیترانه تا فرات و از بین النهرین تا جنوب عربستان مورد استفاده بودند، زبان سامی می‌نامند که بعضی از آن‌ها مرده و بعضی دیگر تاکنون زنده‌اند. زبان‌هایی مانند اکدی، عبری، آرامی، سریانی، حبشی و عربی (پالمر، ۱۳۸۱، ص ۸). برای ریشه‌شناسی واژگان قرآنی، مقایسه چهار شاخه و زیرشاخه با زبان عربی لازم به نظر می‌آید. هر کدام از این چهار شاخه یک زبان محوری در نظر گرفته می‌شود که عبارتست از: اکدی، عبری، یمنی و حبشی

وجود نظریه توفیقی بودن زبان قرآن سبب شده است تا بیشتر مفسران و متکلمان مسلمان نیز در شرح و تفسیر واژگان و مفاهیم به‌کار رفته در قرآن کریم به فرهنگ‌های متقدم مبتنی بر این نظریه تکیه کنند. جهت رفع نارسایی‌های موجود، معناشناسی تاریخی زبان عربی در سده‌های منتهی به دوره نزول قرآن کریم به همراه توجه به بافت و سیاق آیات می‌تواند معنای دقیق‌تری از واژه را آشکار کند و شناخت هسته معنایی یک واژه را ممکن سازد. پژوهش حاضر نیز تلاشی در همین راستا و مبتنی بر دانش فراهم آمده در دوران معاصر است.

واژه‌ی «ربانی» به صورت جمع، «رَبَّانِيَّيْنَ» در آیه‌ی ۷۹ سوره آل عمران و «الرَّبَّانِيُّونَ» در آیات ۴۴ و ۶۳ سوره مائده به‌کاررفته است. طوسی «الرَّبَّانِيُّونَ» را قاریان تورات برای مردم و عاملان به آن می‌داند و برای آن‌ها حق ولایت در جامعه را قائل است (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۱۸). طبرسی و زمخشری علم را ویژگی اصلی آن‌ها دانسته که به تورات سخت پای‌بند هستند. علامه طباطبایی نیز «رَبَّانِيَّيْنَ» را کسانی می‌داند که علماً و عملاً از غیر خدا منقطع شده‌اند و تربیت بشر به عهده‌ی آنها گذاشته شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۳۴۳). این مفسران ریشه این واژه را «رَبَّ» دانسته و «ان» آن را زائد یا برای تفخیم، تخصیص یا مبالغه برشمرده‌اند.

در مقابل توجه به ریشه این واژه در زبان‌های سامی نشان می‌دهد که «رَبَّان» یک وام واژه از زبان آرامی است که الف و نون آن به جهت تفخیم یا مبالغه به ربّ اضافه نشده و لقب خاصی برای کاهنان معابد بوده است. دقت در باهم‌آیندها ویژگی‌های خاصی را برای

و البته باید گفت که در زبان آرامی، زبان سریانی بررسی می‌شود.

در معناشناسی ساختاری به یک مطالعه هم‌زمانی می‌پردازیم به این معنا که ارتباط یک واژه با واژه‌های دیگر در سطح جمله و متن یعنی روابط جانشینی، هم‌نشینی و سیاق بررسی می‌شود. روابط هم‌نشینی، یکی از نشانه‌های زبانی است که مربوط به ترکیب کلمات در جمله یا کلام بوده و به کلماتی که در جوار یک کلمه قرار گرفته‌اند،

کلمات هم‌نشین آن گفته می‌شود. در معناشناسی زبانی به فرآیند هم‌نشینی شدن واحدهای واژگانی بر روی محور هم‌نشینی، هم‌نشینی معنایی گویند (رهنما، ۱۳۹۰، ص ۵۴). رابطه‌ی جانشینی رابطه‌ای از نوع انتخاب و جایگزینی، میان هر یک از الفاظ یک زنجیره‌ی کلامی با الفظی است که می‌توانند جایگزین آن‌ها شوند (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶). به عبارت دیگر جانشینی معنایی، انتخاب و جایگزینی یک نشانه به جای نشانه‌ای دیگر بر حسب تشابه است (صفوی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۹). در این مقاله علاوه بر ریشه‌شناسی تاریخی واژه «الرَّبَّیُّونَ» از کاربست معناشناسی ساختاری با تأکید بر واژگان هم‌نشین بهره می‌بریم.

بررسی مؤلفه‌های معنایی

در این بخش به بررسی مؤلفه‌های معنایی «رَبَّانِیُّونَ» در چهار شاخه زیر می‌پردازیم. این چهار شاخه عبارتند از کتب لغت، دیدگاه مفسران، مشتقات ریشه در زبان سامی و بررسی مفاهیم هم‌نشین و باهم‌آیی‌ها که در ادامه به هر یک از این مقوله به صورت مجزا خواهیم پرداخت می‌پردازیم. این چهار شاخه ابعاد معنایی این واژه را برای ما نشان می‌دهد.

الف) بررسی کتب لغت متقدم و متأخر

در این بخش نظر لغت‌شناسان درباره واژه «رَبَّانِیُّونَ» بررسی می‌شود تا وجود یا عدم وجود تعدد معنا در یک زمان و سیر تطور معنایی در طول زمان را ببایم.

لغویان متقدم: خلیل بن احمد فراهیدی (م ۱۷۵) معنای ریشه «رَبَّ» را مالک دانسته و بدون اشاره به ساخت نحوی «الرَّبَّیُّونَ» (با کسره)، آن را جماعتی می‌داند که منسوب به عبادت خداوند و عارف به ربوبیت او می‌باشند (خلیل بن احمد فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۵۶). ابو عبید قاسم بن سلام ریشه این واژه را عبرانی یا سریانی می‌داند (ابو عبید قاسم بن سلام، ۱۳۱۰، ص ۱۶۰). سیبویه در *الکتاب* «الرَّبَّیُّونَ» را علمای علوم دینی و کسانی که به حلال و حرام دین آشنا هستند، تبیین کرده است. در بین علمای متقدم تنها سیبویه (م ۱۸۰) است که به ساختار نحوی این واژه اشاره می‌کند و اضافه شدن الف و نون را به جهت تخصیص و عالم بودن این گروه در علوم دینی، و نه از سایر علوم، برمی‌شمرد (سیبویه، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱).

ازهری (م ۳۷۰) با اشاره به مفهوم صاحب و مالک برای این ریشه نظرات مختلف را ذیل واژه «الرَّبَّیُّونَ» (با کسر) می‌آورد که عبارتند از:

۱- جمعیت‌های بسیار (از مجاهد، قتاده، فراء، زجاج و قول مروی از امام باقر و امام علی (ع))؛

۲- علما و فقهای صابر (از ابن عباس و حسن)؛

۳- منسوبان به «رَبَّ»، یعنی؛ متمسکین به عبادت خدا (از اخفش)؛

ازهری این واژه را عبرانی یا سریانی می‌داند و به نحوه‌ی ساخت آن اشاره‌ای نمی‌کند (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۵، ص ۱۲۸).

که در راه تکامل علم و دانش کوشید، خویشتن را با آن تربیت کرده است.

۳- «ربّانی» با یاء نسبت در نظر گرفته شده است، یعنی؛ منسوب به ربّ (خدا). پس ربّانی- در این معنی- مثل الهی است (منسوب به الله). راغب در این معنا به سخن حضرت علی(ع) که می‌فرماید: «أنا ربّانی هَذِهِ الْأُمَّةُ» استناد می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۰)

لغویان متأخر: حمیری(م۵۷۳) در شمس العلوم «ربّانیون» را علما و حاکمانی برمی‌شمرد که به تدبیر امور مردم می‌پردازند(حمیری، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۳۳۴). این منظور(م۷۱۱) «ربّانیون» را از ریشه ربّ دانسته و آن را جماعتی می‌داند که صاحب علوم الهی هستند. او به نوع ساخت نحوی این واژه اشاره نمی‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۰۴). ابن اثیر(م۶۰۶) و طریحی(م۱۰۸۵) الفونون در این واژه را به جهت مبالغه می‌داند و «ربّانیون» را معلمان دین و راسخان آن می‌شمردند (ابن اثیر، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۸۱؛ طریحی، ۱۳۷۵، ص ۶۵). زبیدی(م۱۲۰۵) منشأ اصلی این واژه را سریانی و عبرانی می‌داند (زبیدی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵). مصطفوی(م۱۴۲۶) با اشاره به معنای مالک برای «ربّ»، ریشه واژه «ربّانیون» را ربّ برمی‌شمرد (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۴، ص ۲۱).

جمع بندی: برخی دانشمندان متقدم علم لغت مانند: خلیل بن احمد فراهیدی، ازهری و جوهری بدون اشاره به ساخت نحوی این واژه، «ربّانیون» را فقها و علمای علوم دینی و کسانی که عارف به ربوبیت الهی هستند، تبیین می‌کنند. ابو عبید قاسم بن سلام به ریشه عبرانی آن و سیبویه و راغب اصفهانی به ساخت نحوی

جوهری «الربّ» را به معنای مالک و از اسامی خداوند می‌داند که در زمان جاهلیت به پادشاه اختصاص داشته است. او «ربّانیون» را جمع «الربّانی» (با فتح راء) و به معنای عارف به خدا و «ربّیون» را جمع «الربّی» (با کسر راء) به معنای جمعیت زیادی از مردم معنا می‌کند (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۳۰).

ابن فارس(م۳۹۵) ضمن برشمردن معانی خالق، صاحب و مالک برای «ربّ»، ریشه واژه را به معنای اصلاح و تکامل و لذا معنای اصلی آن را اصلاح کننده می‌داند. او در معجم مقاییس اللغة به واژه «ربّانیون» (با فتح یا کسر راء) و ساخت نحوی آن اشاره نمی‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۸۱).

راغب اصفهانی(م۴۲۵) در المفردات، «ربّ» را در اصل به معنی تربیت و پرورش دانسته است به عبارتی، ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی تا به حدّ نهائی و تمام و کمال آن برسد. او «ربّ» را مصدر می‌داند که به استعاره به جای فاعل به کار رفته است. این واژه به طور مطلق جز برای خدای تعالی استفاده نمی‌شود؛ زیرا او متکفّل مصالح موجودات و آفریده‌هاست. او در بیان معنای «ربّانیون» نظرات زیر را مطرح می‌کند:

۱- «ربّانی» منسوب به «ربّان» است، یعنی؛ دانشمند و راسخ در علم و دین و عارف به الله.

۲- «ربّانی» کسی است که علم و دانش را تکامل می‌بخشد یا کسی که نفس خویشتن را با علم پرورش می‌دهد. که البته هر دو معنی (پرورش و رشد علم یا پرورش خویش با علم) تحقیقاً ملازم یکدیگر است؛ زیرا کسی که نفس و جان خویش را با علم تربیت می‌کند در واقع علم و دانش را رشد داده است و کسی

این واژه اشاره دارند. سیبویه آن را جهت تخصیص و راغب اصفهانی ربّانی را منسوب به «ربّان» یا «ربّ» می‌داند که اگر منسوب به «ربّ» باشد به معنای پرورش دهنده‌ی نفس و فردی الهی است و در معنای اخیر «ی» را بیا نسبت می‌داند. غالب لغویان متأخر نیز در معنای «ربّانیون» عالم و فقیه بودن اشاره کرده‌اند و برخی مانند ابن اثیر (۶۰۶م) و طریحی (۱۰۸۵م) آن را عالم علوم دینی می‌دانند.

ب) دیدگاه مفسران

واژه «ربّانیون» در دو آیه به کار رفته است که عبارتند از: ۴۴ و ۶۳ سوره مائده و یک بار «ربّانین» در آیه ۷۹ سوره آل عمران آمده است. در این بخش پس از ذکر آیات ابتدا نظرات مفسران ذیل مفهوم این واژه و سپس دیدگاه آنها در ساخت صرفی آن بیان می‌شود.

(المائده: ۴۴) إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اخْشَوُا اللَّهَ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ .

(المائده: ۶۳) لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِلْمُ وَ أَلْهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ .

(آل عمران: ۷۹) مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَ الْحُكْمَ وَ النَّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَ بِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ .

- آراء مفسران در تفسیر واژه «الربّانیون»

طوسی «الربّانیون» را کسانی می‌داند که تورات را برای مردم قرائت می‌کنند و بر اساس تورات بین مردم حکم می‌کنند و خود نیز به آن عمل می‌کنند (طوسی، بی‌تا،

ج ۵، ص ۳۱۸). ذیل همین آیه طبرسی کسانی از علمای یهود و مسیحیت را که در علم رشد کرده‌اند، ربّانی می‌داند. او از سویی علم را ویژگی اصلی «ربّانیون» و «أخبار» می‌شمرد و از سوی دیگر ولایت در جامعه را برعهده آنها می‌گذارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۰۷). فخر رازی ذیل آیه ۴۴ مائده «ربّانیون» را مانند مجتهدان و «أخبار» را علمای طراز پایین‌تر برمی‌شمرد (فخر الدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۳۶۳). زمخشری در این آیه «ربّانیون» و «أخبار» را علما و زاهدان نسل هارون می‌داند و «ربّانیون» را از نظر علمی و عملی برتر دانسته و کسانی را که سخت‌پای بند طاعت خداوند باشند، ربّانی معرفی می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۳۶). کاشانی «أخبار» و «ربّانیون» را سالکان و زهاد یهود و مسیحیت تفسیر کرده است و تفاوتی بین این دو واژه قائل نمی‌شود (کاشانی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۱۲۸). آلوسی «ربّانیون» و «أخبار» را دارای مقام علمی و مقام ولایت در جامعه دینی یهود و مسیحیت می‌داند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۳۱۲).

علامه طباطبایی «ربّانی» را کسانی می‌داند که علماً و عملاً از غیر خدا منقطع شده‌اند و تربیت بشر به عهده‌ی آنها گذاشته شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۳۴۳). ابن عاشور کسانی را که در علم دین تلاش کرده‌اند، ربّانی دانسته و عالم بودن و عمل کردن به این علم را شاخصه اصلی «ربّانیون» و «أخبار» می‌داند (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۱۳).

آراء مفسران در ساخت صرفی «الربّانیون»

طبرسی واژه «ربّانی» را منسوب به ربّ برمی‌شمرد و «ان» آن را زاید یا جهت مبالغه می‌داند و آنها را

بربری، کوشی و چادی شاخه‌ای از زبان‌های آفروآسیایی است. زبان هر یک از اقوام آسیایی پس از هجرت از موطن اولیه در طول تاریخ دست‌خوش تغییراتی شد؛ برخی واژگان دچار توسعه یا تضییق معنایی شدند، واژگانی فراموش شدند و واژگان جدیدی در بستر جغرافیایی، فرهنگی و زمانی جدید شکل گرفتند. این تغییرات زبانی با تغییرات صرفی، نحوی و آوایی همراه بودند، تا آنجا که زبان هر یک از اقوام هم‌چون زبانی مستقل شکل گرفت. با این حال هم‌چنان اشتراکاتی میان این زبان‌ها به وضوح دیده می‌شود که نتیجه‌ی تاریخ مشترکشان در اعصاری کهن‌تر است (آذرنوش، ۱۳۸۳، ص ۱۸۲).

یکی از زبان‌های اصلی منطقه شمالی حاشیه‌ای شبه جزیره عربستان، زبان اِکدی است. اِکدی نامی است برگرفته از شهری باستانی به نام اِکد که در جنوب رود دجله قرار داشته است امروزه اِکد به تعدادی از گویش‌های کهن منطقه شمالی حاشیه‌ای گفته می‌شود. در معتبرترین فرهنگ‌های اِکدی (Black, 2000, p.293-294) واژه‌هایی یافت می‌شود که به نظر می‌رسد پیوند نزدیکی با ریشه‌ی «ربب» در زبان عربی دارد. با بررسی این واژه‌ها در مقوله‌ی صرفی فعل و با شکل Rabu (رَبیو) می‌توان به معانی: «بزرگ بودن، رشد دادن و زیاد شدن» و در مقوله صرفی صفت با شکل Rabu (رَبیو) به معانی «رَبیس، والامقام، نجیب زاده» اشاره کرد. در مقوله صرفی صفت با شکل rab (رَب) نیز معانی فرمانده و حاکم دیده می‌شود.

از زبان‌های مهم شمالی مرکزی، زبان عبری شناخته‌ترین و نزدیک‌ترین زبان به زبان کنعانی است که از اواخر سده ۱۲ قبل از میلاد تا سده دوم یا یکم

علماء، فقها و زاهدان بیان کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۸۲). فخر رازی ربّانی را کسانی معرفی می‌کند که به معرفت خداوند رسیدند و اهتمام به اطاعت الهی دارند. او الفونون را جهت مبالغه یا زائد می‌داند (فخر الدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۲۷۰). زمخشری ریشه واژه را «رب» و «ان» را زائد و «ی» را برای نسبت می‌داند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۷۷). علامه طباطبایی ذیل آیه ۷۹ سوره آل عمران ربّانی را منسوب به «رب» و الفونون آن را به جهت بزرگ دانستن این انتساب می‌داند (جهت تفخیم) و آن را در بیان حالات کسی می‌داند که ارتباطش با «رب» شدید است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۷۴). ابن عاشور ریشه این واژه را ربّ می‌داند و «ان» را برای مبالغه دانسته است (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۱، ص ۲۰۵). از برآیند نظرات مفسران این حاصل می‌شود که «الربّانیون» واژه‌ای است که خداوند متعال در قرآن برای علمای دین یهود و مسیحیت به کار برده است. در دیدگاه مفسران این افراد نه تنها عالم در علوم دین و فقیه هستند؛ بلکه زاهد هستند و عملاً از غیر خدا منقطع شده‌اند، به علاوه تربیت بشر به عهده آن‌ها گذاشته شده است. مفسران ریشه این واژه را ربّ و «ان» را زائد یا جهت مبالغه و تفخیم می‌دانند. قاطبه‌ی مفسران قرآن نظر راغب اصفهانی را در تبیین این واژه برمی‌گزینند.

ج) بررسی مشتقات ریشه «الربّانیون» در زبان‌های سامی

زبان عربی در کنار زبان‌هایی مانند عبری، آرامی، اِکدی، فنیقی و... یکی از شاخه‌های زبان‌های سامی به شمار می‌آید و زبان سامی در کنار زبان‌های مصری،

از حدود قرن هشتم پیش از میلاد تا قرن ششم میلادی در جنوب شبه جزیره عرب رواج داشته است. در معتبرترین فرهنگ‌های سبئی موجود (Beeston, 1982, p. 114) واژه‌هایی یافت می‌شود که به نظر می‌آید پیوند نزدیکی با واژه ربّ در زبان عربی دارد.

در مقوله‌ی صرفی فعل و به شکل rub (ریوب) به معنای دارا بودن و مالک بودن و در مقوله صرفی اسم و به شکل rbbun (ربیون) به معنای برده، بنده و فرزند خوانده بوده است. در زبان حبشی از منطقه جنوبی حاشیه‌ای که زبان مردم اتیوپی و اریتره کنونی در شاخ آفریقا و بسیار نزدیک به زبان‌های عربی است، می‌توان زیر شاخه‌ی زبان گِغز را نام برد. در معتبرترین فرهنگ‌های زبان گِغز موجود (Leslau, 1991, p. 462) واژه‌هایی یافت می‌شود که به نظر می‌رسد پیوند نزدیکی با واژه ربّ در زبان عربی دارد. در مقوله صرفی فعل و به شکل rab (رَب) به معنای فراوان بودن و توسعه دادن و به شکل rabbawa (رَبّاوا) به معنای آموزش دادن، در مقوله صرف اسم و به شکل rab (رَب) به معنای سرور و مالک و به شکل rabban (رَبّان) به معنای آموزگار، استاد، رهبر و ارشد آمده است.

از واژه‌های مذکور واژه rabban (رَبّان) از نظر آوایی به واژه «رَبّائون» بسیار نزدیک است. در زبان گِغز که بسیار نزدیک به زبان عربی است، در معنی آموزگار و استاد کاربرد داشته است. در زبان آرامی نیز این واژه لقبی برای دانشمندان دینی و بسیاری از رؤسای مدارس دینی فلسطین بوده است، پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که این واژه اشتراک لفظی ناشی از وام‌واژگی است.

پیش از میلاد گفت‌وگو می‌شده است. در فرهنگ‌های معتبر عبری موجود (Gesenius, 1939, p. 912-916) واژه‌هایی یافت می‌شود که به نظر می‌رسد پیوند نزدیکی با واژه «رَبّ» داشته باشد.

در مقوله‌ی صرفی فعل و با شکل rabab (رَبَب) معانی مانند: بزرگ بودن، بزرگ شدن و در مقوله‌ی صرفی صفت و با شکل rab معانی بزرگ، رییس و آموزگار دیده می‌شود. در این ساختار نحوی این واژه به طور خاص لقب عمومی دانشمندان دینی یهود ذکر شده است.

زبان آرامی دومین زبان عمده شرق مدیترانه است که دارای گویش‌های مختلف و متعددی بوده است، به طوری که برخی معتقدند نمی‌توان گویش معیار برای آن در نظر گرفت. زبان آرامی در غرب امپراطوری پارس از میانه سده ششم پیش از میلاد در حدود سه قرن زبان رسمی بود. در معتبرترین فرهنگ‌های موجود آرامی کهن (Jastrow, 1903, vol2, p. 1438-1444) واژه‌هایی یافت می‌شود که پیوند نزدیکی با ریشه «رَبب» در زبان عربی دارند. در مقوله صرفی صفت و به شکل rab (رَب) معانی مانند: رهبر، رییس، آموزگار دیده می‌شود.

این ریشه به شکل آوایی Rabban (رَبّان) لقبی برای دانشمندان دینی و بسیاری از رؤسای مدارس دینی فلسطین بوده است در مقوله صرفی فعل و به شکل riba در معنای بزرگ بودن و پرورش دادن و در مقوله صرفی صفت و به شکل ribu (ریببو) به معنی فراوان دیده می‌شود.

زبان عربی جنوبی کهن، به مجموعه‌ای از زبان‌ها و گویش‌های به هم پیوسته گفته می‌شود که به طور عمده

۴-۲- بررسی مفاهیم هم‌نشین

برای درک دقیق‌تر مفهوم «ربانیون» و مؤلفه‌های معنایی آن در قرآن، بررسی باهم‌آیندهایی که دارای ارتباط نحوی با واژه‌ی مذکور هستند، ضروری است تا در سایه‌ی آن به بخشی از مفهوم «ربانیون» دست یابیم.

در دو آیه از کاربردهای سه‌گانه، «ربانیون» هم‌نشین واژه‌ی «أخبار» شده است و لذا بررسی معنای این واژه و کاربرد آن در قرآن ضروری است. واژه «أخبار» در آیات ۳۱ و ۳۴ سوره توبه، ۴۴ و ۶۳ سوره مائده در قرآن کریم به‌کار رفته است. در دو آیه هم‌نشین «ربانیون» و در دو آیه دیگر هم‌نشین «رُهبان» شده است. واژه «رُهبان» که در آیات ۳۱ و ۳۴ سوره توبه و ۸۲ سوره مائده به کار رفته است، از نظر آوایی نزدیک واژه rahhian در زبان آرامی و به معنای دانشمندان مسیحی است. (Jastrow, 1903, vol2, p. 1438-1444; Dalma, 1901, p. 544-576). طبرسی این نظر را بدون اشاره به زبان‌های سامی از قول حسن بصری نقل می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۳۶).

برخی از لغت‌شناسان واژه أخبار را از ماده «تحبیر» به معنای «تحسین» یا از «حبر» به معنای دوات می‌دانند. به عبارتی چون اخبار اهل نوشتن و کتابت بوده‌اند، به آنان أخبار گفته می‌شده است (جوهری، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۶۳؛ فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۶۳). برخی دیگر آن را از ریشه «حبر» به معنای اثر و نشان دانسته و دانشمندان یهودی را به سبب اثر تعالیشان أخبار خوانده‌اند (طبری، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۳۴۰). حسن بصری أخبار را علمای یهودی ذکر می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۳۶).

برخی مفسران مانند ابن عاشور علم را ویژگی اصلی أخبار می‌داند (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۱۳). فخر رازی «أخبار» را علمای یهود که در طراز پایین‌تر از «ربانیون» هستند، برمی‌شمرد (فخر الدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۳۶۳). با توجه به تقدم واژه «ربانیون» نسبت به أخبار در آیه یاد شده، چه بسا این نظر صحیح باشد.

در آیه ۶۳ سوره مائده «ربانیون» به جهت عدم نهی از منکر، مؤاخذه و توبیخ می‌شوند. در قرآن کریم آیات فراوانی با تعبیرات و آهنگ‌های مختلف درباره امر به معروف و نهی از منکر به چشم می‌خورد. در میان همه‌ی آن‌ها دو آیه، ۶۷ و ۷۱ سوره توبه ویژگی خاصی اشاره دارد. در این آیات آمده است زنان و مردان مؤمن برهم ولایت دارند و در پرتو این ولایت امر معروف و نهی از منکر می‌کنند. این ولایت چه به معنای محبت و چه به معنای قدرت قانونی باشد، حاکی از نوعی تسلط بر فرد است تا امر به معروف و نهی از منکر تحقق یابد و اگر این ویژگی که لازمه‌ی امر به معروف و نهی از منکر است در «ربانیون» نباشد، توبیخ آنها نابه‌جا خواهد بود. پس با توجه به آیات ۶۳ مائده و ۶۷ و ۷۱ سوره توبه نوعی تسلط به لحاظ قانونی یا به لحاظ قلبی و احساسی در «ربانیون» بوده است و می‌توان آن‌ها را گروهی متفاوت و برجسته در جامعه دانست.

آیه ۷۹ سوره آل عمران به دو ویژگی خاص «ربانیون» اشاره می‌کند. آن‌ها کسانی هستند که علم دین را یاد گرفتند و به تعلیم علوم دینی پرداختند و به همین سبب در این آیه به عنوان فقها و دانشمندان علوم دینی مدح شدند.

در آیه ۴۴ سوره مائده دو ویژگی دیگر این افراد، یعنی؛ حفظ تورات و شاهد بر آن بودن بر شمرده شده است. با نگاهی به آیات درمی‌یابیم که شاهد در قرآن بر دو معناست. وجه نخست گواه بودن، چنان که خداوند متعال در آیه ۱۰ سوره احقاف می‌فرماید: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَتْ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَأَمَّا وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»، شاهدی از بنی اسرائیل بر درستی آن گواهی دهد، یعنی، شاهد و گواه بر عین آن باشد و وجه دوم حاضر، که در آیات ۲ و ۳ سوره بروج می‌فرماید: «وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ وَشَهِدٍ وَ مَشْهُودٍ»، قسم به روز موعود و به شاهد و مشهود یعنی، حاضر و محضور.

در آیه ۱۴۳ سوره بقره، خداوند امت اسلام را گواه بر دیگر امت‌ها قرار می‌دهد و در آیه ۴۱ سوره نساء پیامبر اسلام (ص) را شاهد بر دیگر انبیاء می‌داند. با توجه به سیاق آیات می‌توان گفت شاهد بودن امتی بر امت دیگر یا فردی بر فرد دیگر در قرآن کریم از سویی نشان مسئولیت و از سوی دیگر نشان برتری است و لذا شاهد بودن «رَبَّانِیُونَ» می‌تواند نشان مسئولیت آن‌ها در قبال جامعه و برتری آن‌ها بر دیگران باشد.

نتیجه‌گیری

با مقایسه آرای مفسران در تبیین واژه «رَبَّانِیُونَ» و بررسی‌های ریشه‌شناسی و مفاهیم هم‌نشین، لایه‌های جدیدتری از مفهوم این واژه آشکار می‌شود. جمهور مفسران ریشه این واژه را «رَبِّ» به معنای پروردگار دانسته و الف و نون را به منظور مبالغه، تفخیم یا زائد بر شمرده‌اند، در حالی که بررسی‌های ریشه‌شناسی نشان داد که این واژه یک وام واژه از زبان آرامی بوده که به

شکل آوایی rabban و لقبی برای دانشمندان و بسیاری از رؤسای مدارس دینی فلسطین بوده است و در زبان گعز نیز به استادان و آموزگاران علوم مختلف و نه صرفاً آموزگار علوم دینی rabban (رَبَّان) گفته می‌شد به عبارت دیگر در جامعه یهود و مسیحیت دانشمندان علوم مختلف «رَبَّان» نامیده می‌شدند. مفسران «رَبَّانِیُونَ» را زاهدان دانسته‌اند، به طوری که علماً و عملاً از غیر خداوند منقطع شده‌اند و عامل به دستورات تورات هستند.

این نظر با آیه ۶۳ سوره مائده مغایر است که رَبَّانِیُونَ به دلیل عدم اجرای وظیفه نهی از منکر سرزنش و توبیخ می‌شوند. آیات سه ویژگی برای این گروه بیان کرده است: اولاً، نهی از منکر، که قرآن آن را یکی از وظایف این گروه بر شمرده است و به جهت عدم انجام این وظیفه در آیه ۶۳ مائده توبیخ شده‌اند و با توجه به آیات ۶۷ و ۷۱ سوره توبه، این وظیفه از نوعی ولایت آن‌ها بر جامعه حکایت می‌کند.

ثانیاً، شهادت این گروه بر تورات، با توجه به کاربست مفهوم شاهد بودن در قرآن، به نوعی حاکی از برتری این گروه بر دیگر اقشار جامعه است.

ثالثاً، فراگرفتن علوم دینی تورات و سپس تدریس آن از ویژگی‌های برجسته رَبَّانِیُونَ بوده که در آیه ۷۹ سوره آل عمران تبیین و ستایش شده است.

منابع

- قرآن کریم
- آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۸۳ش)، *زبان قرآن*، تهران، دانشگاه تهران.
- آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

- ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۷۶ش)، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، (بی‌تا)، *التحریر و التنویر*، بی‌جا.
- ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- _____، (۱۹۶۳م)، *الصاحبی فی فقه اللغة و سنن العرب*، بیروت، مؤسسه ابدران للطباعة و النشر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر.
- ابو عبید، قاسم بن سلام، (۱۳۱۰ق)، *رساله ماورد فی القرآن من لغات القبائل*، قاهره.
- ازهری، محمد بن احمد، (۱۴۲۱ق)، *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- پاکتچی، احمد، (۱۳۹۰ش)، *ریشه‌شناسی واژه قرآنی قیوم*، مجله مطالعات قرآن و حدیث، شماره اول.
- _____، (۱۳۹۶ش)، *رویگردی ریشه‌شناختی به ماده قرآنی عزم*، مجله پژوهش‌های زبانشناختی قرآن، شماره دوم.
- پالمر، فرانک رابرت، (۱۳۸۱ش)، *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*، مترجم: کوروش صفوی، تهران، کتاب ماد.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶ش)، *الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیه)*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- حمیری، نشوان بن سعید، (۱۴۲۰ق)، *شمس العلوم*، دمشق، دارالفکر.
- خلیل بن احمد فراهیدی، (۱۴۰۹ق)، *العین*، قم، نشر هجرت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *مفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالقلم.
- رهنما، هادی، (۱۳۹۰ش)، *معناشناسی نام‌های معاد در قرآن کریم*، تهران، انتشارات امام صادق (ع).
- زبیدی، محمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر.
- زمخشری، محمود، (۱۴۰۶ق)، *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دارالکتب العربی.
- سیبویه، عمرو بن عثمان (بی‌تا)، *الکتاب*، تحقیق احمد حسن مهدلی و علی سید علی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- سیوطی، جلال‌الدین، (۱۹۹۹م)، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالفکر.
- _____، (بی‌تا)، *المزهر فی علوم اللغة و انواعها*، بیروت، دارالفکر.
- صفوی، کوروش، (۱۳۸۷ش)، *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران، انتشارات سوره مهر.
- _____، (۱۳۷۹ش)، *فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی*، تهران، فرهنگ معاصر.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین و مطلع النبرین*، تهران، مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- Gesenius, W. (1939), A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament, tr.E Robinson, ed. F. Brown, Oxford University Press
- Leslau, W. (1991), Comparative Dictionary of Geez (classical Ethiopic), A Hebrew and English Wiesbaden:Harrassowitz
- Jastrow, M.(1903), A dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yeushalmi, and the Midrashic Literature, New York:G.p. putnams Sons. Vol.2
- Dalman, GH. (1901), Aramaish-Neuhebraisches Worterbruch zu Targum, Talmud und Midrash, Frankfurt:M.J.Kauffmann
- فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)،
التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دارالتراث العربی.
- کاشانی، ملافتح الله، (۱۳۳۶ش)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، انتشارات محمد حسن علمی.
- مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- Beeston, A.F.L. et al. (1982), Sabaic Dictionary (English-french-arabic), Louvain: peeters
- Black, J. et al. (2000), A concise Dictionary of Akkadian, Wiesbaden:Harrassowitz Verlag